

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هشتادم

زمستان ۱۳۹۸

جایگاه توجه به رویکرد نویسنده در ارزیابی گزاره‌های تاریخ‌نگاری روایی؛

مطالعه موردی نقش رویکرد حدیثی کلامی شیخ صدوق در طرح اخبار ولایت‌عهدی امام رضا (ع)

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۱/۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۴

روح الله توحیدی نیا^۱

محمدعلی توحیدی نیا^۲

بیشتر منابع مربوط به تاریخ زندگانی معصومان (ع) در مجموعه تاریخ‌نگاری روایی با ویژگی‌هایی منحصر به خود، جای می‌گیرند. با این حال، این پرسش کمتر مورد توجه قرار گرفته است که توجه به تفاوت رویکرد نویسندگان در این گونه از تاریخ‌نگاری، چه راه‌آوردی برای ارزیابی گزاره‌های تاریخی به همراه دارد؟

نوشته حاضر برای پاسخ به این پرسش، به مطالعه موردی رویکرد حدیثی و کلامی شیخ صدوق در نقل اخبار مربوط به ولایت‌عهدی امام رضا (ع) (د. ۲۰۳ق) می‌پردازد تا فرضیه‌گیران پذیر بودن توجه به دو رویکرد حدیثی و کلامی در ارزیابی گزاره‌های تاریخی مجموعه تاریخ‌نگاری روایی را به آزمون - گذارد و بر اساس یافته‌های خود، بر این رهیافت تأکید می‌کند که پیش از

۱. دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام دانشگاه تهران: (roholahideh@yahoo.com).

۲. دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری رشته تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع): (ma.tohidinia@gmail.com).

بهره‌گیری از اخبار تمامی منابع تاریخ‌نگاری روایی، لازم است به بینش و روش نویسندگان و راویان توجهی جدی شود.

کلیدواژگان: تاریخ‌نگاری روایی امامیه، عیون الاخبار عن الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، رویکرد حدیثی، رویکرد کلامی.

۱. بیان مسئله

تاریخ‌نگاری کوششی برای انتقال روح و اطلاعات زمانه به وسیله مورخ با قالب‌های ویژه است.^۱ به عبارت دیگر، تاریخ‌نگاری پیوندی ناگسستنی با شخصیت، جایگاه، موقعیت اجتماعی، فکری و انسانی مورخ دارد.^۲ برخلاف وقایع‌نگاری که در آن بر ثبت دیده‌ها و شنیده‌ها تمرکز می‌شود.

با این توضیح، بخشی از منابع امامیه در حوزه تاریخ و سیره معصومان علیهم السلام که بیشتر به وسیله محدثان و همراه با سلسله سند نوشته شده است در حوزه تاریخ‌نگاری قرار می‌گیرد؛ زیرا در بسیاری موارد، نویسنده اثر در درجه اول بر اساس نوع فهم، نیاز و تعریف خویش از تاریخ و در مرحله بعد، مطابق اندیشه‌ای که بر اساس آن به تاریخ روی آورده است، به تاریخ می‌نگرد.^۳

بنابراین می‌توان از مجموعه گزارش‌های تاریخی که با انگیزه، شیوه و ساختار نگارش حدیث و به وسیله امامی مذهب نوشته شده است، با عنوان تاریخ‌نگاری روایی امامیه یاد

۱. حضرتی، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، ص ۹۶.

۲. همان، ص ۸۴.

۳. برای اطلاع بیشتر از این نوع فعالیت مورخان، ر.ک: همان، ص ۸۴؛ برای نمونه درباره اهداف تاریخ‌نگاری شیخ مفید، ر.ک: خانجانی، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری، ص ۵۵-۵۸؛ درباره اندیشه‌های ناظر بر تاریخ‌نگاری وی، ر.ک: همان، ص ۱۰۱-۱۱۷.

کرد.^۱ البته، تمامی منابع نوشته شده به وسیله امامی مذهببان درباره سیره معصومان علیهم السلام نمی‌توانند در این مجموعه جای گیرند. چنان که گاه، شیخ صدوق (د. ۳۸۱ق) به صورتی وارد مناقشات و آرای کلامی می‌شود که محصول کار او در دایره مباحث کلامی می‌گنجد.^۲

از سوی دیگر، محققان علم تاریخ، بخشی از اعتبار علمی خود را مدیون تلاشی هستند که درباره ارزیابی گزاره‌های تاریخی مبتنی بر اصول تاریخ‌شناسی انجام می‌دهند. از این‌رو، پرسشی مهم پیش روی آنان وجود دارد و آن این است که با توجه به تفاوت‌های ریشه‌ای شیوه تاریخ‌نگاری در مجموعه یاد شده^۳، چه ره‌آوردی در ارزیابی گزارش‌های تاریخی باید در دستور کار قرار گیرد؟

باید به این نکته توجه شود که ارزشمندی آثار محدثان امامیه در تبیین آموزه‌های دینی بر اندیشمندان شیعه واضح است و راستی‌آزمایی اخبار این منابع، تنها با هدف پالایش برخی اخبار نادرست و بازشناسی اخبار با ارزش تاریخی در این کتاب‌ها صورت می‌گیرد. هم‌چنین، پرداختن به این مباحث سبب می‌شود محققان علم تاریخ برای فعالیت در حوزه تاریخ و سیره معصومان علیهم السلام و برای ارزیابی منابع تاریخ‌نگاری روایی امامیه و بهره‌گیری از داده‌های آن در تحقیقات خود، شیوه و روی آورد مناسبی را به کار گیرند.

۱. در صورت پذیرش این سخن که در منبع تاریخی، توصیف نمی‌تواند جدای از تفسیر باشد و همان مورخی که به وقایع نگاری می‌پردازد، به نوعی تاریخ‌نگاری مشغول است (حضرتی، همان، ص ۹۸)، به طریق اولی به کار بردن واژه تاریخ‌نگاری بدون مشکل خواهد بود.

۲. برای نمونه می‌توان از کتاب‌های معانی الاخبار، علل الشرایع و التوحید شیخ صدوق یاد کرد که در تمامی آنها گزاره‌های تاریخی به صورت موردی و پراکنده و بدون قصد روایت رویداد بیان شده است.

۳. برای آشنایی با ویژگی‌های منحصر به فرد تاریخ‌نگاری روایی امامیه، ر.ک: توحیدی نیا و صفری فروشانی، «بررسی تحلیلی تاریخ‌نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم»، تاریخ اسلام، ش ۴، ص ۵-۲۵.

تحقیق حاضر در راستای پاسخ‌گویی به پرسش بالا، به مطالعه موردی رویکرد شیخ صدوق در طرح اخبار مربوط به ولایت‌عهدی امام رضا (ع) در عیون اخبار الرضا (ع) می‌پردازد. یکی از نکات کلیدی در ارزیابی متون تاریخی با رویکرد انتقادی و تحلیلی، آن است که تناسب لازم میان شیوه رویارویی با منابع و ارزیابی آن و بینش، روش و نگارش نویسنده منبع برقرار باشد.^۱

فرضیه مقاله حاضر این است که در ارزیابی روایات و اخبار تاریخی، توجه به رویکرد حدیثی و کلامی نویسنده امری ضروری است و در صورتی که محقق بدون آگاهی از بینش و روش مورخان و راویان از اخبار بهره گیرد، نوشته او به عنوان اثری علمی پذیرفته نخواهد شد.

نوشته حاضر به صورت مستقیم، راه‌گشا بودن توجه به رویکردهای مؤثر تاریخ‌نگاری امامیه بر آثارشان را دنبال می‌کند، اما از آن جهت که به ارزیابی اخبار مربوط به ولایت‌عهدی امام رضا (ع) در مهم‌ترین منبع این موضوع، یعنی عیون اخبار الرضا (ع) می‌پردازد، دارای نوآوری است و پژوهشی در این باره، آن چنان که در بیان مسئله گذشت، یافت نمی‌شود.

نکته پایانی پیش از ورود به بحث این است که ضرورت بررسی انتقادی و تحلیلی اخبار مجموعه تاریخ‌نگاری روایی، به معنای عدم اهمیت این موضوع در بهره‌مندی از اخبار دیگر آثار نیست. بسیاری از نویسندگان منابع تاریخی مشهور در هنگام گزارش اخبار، تحت تأثیر تأملات و دیدگاه‌های خود قرار گرفته‌اند و گزارش آنان از صورت حقیقی خود خارج شده است. بنابراین، نویسنده با تأکید بر نقش برجسته شیخ صدوق در رشد و بالندگی مکتب تشیع، تلاش می‌کند به صورت موردی به تأثیر بینش این عالم ارجمند شیعه در نقل گزاره‌های تاریخی بپردازد.

۱. درباره لزوم ارزیابی با رویکرد انتقادی و تحلیلی، ر.ک: رامپولا، راهنمای نگارش تاریخ، ص ۳۵.

۲. شیخ صدوق و تاریخ‌نگاری در عیون اخبار الرضا (ع)

۱-۲. شیخ صدوق و تاریخ‌نگاری^۱

بررسی مجموع گزارش‌های شیخ صدوق در کتاب عیون، ویژگی‌های تاریخ‌نگاری او را روشن می‌کند که از آنها می‌توان به عدم بیان همه اخبار موجود در منابع پیشین، انجام گزینش در استفاده از اخبار و دسته‌بندی آنها در ابواب مختلف اشاره کرد. برای نمونه، اخباری از کتاب کافی گزینش و در دسته‌های مختلف خبری در عیون بیان می‌شود.^۲

یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری شیخ صدوق، حضور عنصر رخداد در تاریخ‌نگاری او است. بر اساس مبانی معرفت‌شناسی سنتی، موضوع عمده‌ترین معیار تفکیک معارف است^۳ و بررسی‌ها نشان می‌دهد که به لحاظ موضوعی، رخداد یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر تاریخ‌نگاری است.^۴ شیخ صدوق در نگارش تاریخ بر همین اساس، نقطه شروع و پایانی را ترسیم می‌کند و مطابق با آن، اخبار را در جای خود قرار می‌دهد.

چنان‌که در بیان ماجرای ولایت‌عهدی امام رضا (ع) به ترتیب، چگونگی تصمیم مأمون (د. ۲۱۸ق) برای قرار دادن امام رضا (ع) به عنوان خلیفه، فرستادن نامه از سوی مأمون برای ایشان، فرستادن نمایندگان مأمون برای بردن امام به مرو، فضا سازی مأمون در میان مردم برای این تصمیم، تلاش‌های امام برای نشان دادن اهداف پشت پرده مأمون به شیعیان، مراسم بیعت با امام (ع) به عنوان ولی‌عهد، چگونگی ناکام ماندن مأمون با

۱. مقاله ای با عنوان « بینش و روش در تاریخ‌نگاری شیخ صدوق (مطالعه موردی عیون اخبار الرضا (ع)) » به تبیین ابعاد تاریخ‌نگاری او پرداخته است (توحیدی نیا، ص ۹۷-۱۲۴).

۲. برای مشاهده اخبار بیان شده در عیون، ر.ک: صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۴، ۲۷۵. هم‌چنین برای نمونه درباره روایات بیان نشده در عیون، ر.ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ج ۶، ص ۴۷۹.

۳. کاکایی، عرضی ذاتی به عنوان معیار تمایز علوم، ص ۱-۳.

۴. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: آغایلی، نقش موضوع در روشن ساختن مفهوم تاریخ‌نگارانه، ص ۲۰-۷۱.

رفتار به هنگام امام رضا (ع) و تصمیم مأمون برای به شهادت رساندن امام (ع) را بیان می‌کند و تصویری جامع از رویداد ارائه می‌دهد.

به عبارت دیگر، توجه به عنصر رخداد سبب شده است شیخ صدوق، اتفاقات را جدا و پراکنده نبیند و تلاش کند تا ارتباط ساختاری را بین اجزای مختلف برقرار نماید.^۱

۲-۲. رویکرد حدیثی شیخ صدوق

با وجود برخی روش‌های تاریخی در بیان وقایع، تأثیر شخصیت حدیثی شیخ را نمی‌توان نادیده گرفت. منشأ شخصیت حدیثی شیخ صدوق، حوزه نص‌گرایی امامیه در قم قرن سوم و چهارم هجری^۲ است. ویژگی اصلی حاکم بر این مکتب، گرایش شدید به ظاهر حدیث بود و بیشتر فعالیت محدثان این حوزه و شیخ صدوق پیرامون جمع‌آوری احادیث، ضبط و حفظ آن بود.^۳

یکی از مهم‌ترین خصوصیات رویکرد حدیثی شیخ که در مقاله حاضر بررسی می‌شود، تلاش او برای ارائه اخبار با محتوا و آرای مختلف در بیان رخدادها است. با این حال، با بررسی مجموعه اخبار شیخ می‌توان به نظر نهایی او نسبت به چگونگی رویداد نزدیک شد.

درباره اهمیت و جایگاه نگاه مجموعی به اخبار برای دستیابی به گزارش صحیح و مورد پذیرش نویسنده، می‌توان از اقدام برخی علمای متأخر برای بهره‌گیری از آثار متقدمان یاد کرد که برای دستیابی به نظر قدما، مجموع اخبار آنان را در هر باب بررسی

۱. پاکتنچی، «ابن بابویه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۳۴۶.

۲. برای اطلاع تفصیلی از فراز و فرود مدرسه حدیثی قم، ر.ک: جباری، مکتب حدیثی قم، ص ۵۹.

۳. مفید، تصحیح الاعتقاد الامامیه، ص ۱۶۹.

می‌کردند.^۱ عدم توجه به این ویژگی در رویکرد حدیثی شیخ به کیفیت مطالعات تاریخی در این حوزه آسیب فراوانی وارد می‌کند.

مطالعه برخی تحقیقات که از عیون اخبارالرضا^{علیه السلام} بهره برده‌اند، نشان می‌دهد که در موارد متعدد، نویسندگان با استفاده گزینشی از اخبار و بدون توجه به شیوه کار نویسندگان، تبیین خود را در موضوع ولایت‌عهدی امام رضا^{علیه السلام} از کتاب برداشت می‌کنند و ارائه می‌دهند و یا مشاهده می‌شود که روایتی به عنوان عقیده نهایی شیخ در تحقیقات بیان می‌شود.^۲ این در حالی است که بررسی مجموع روایات موجود در کتاب، عقیده دیگری را قابل دفاع می‌نماید.

به عبارتی، محققان از این موضوع غافل بودند که عیون به عنوان یک نوشته حدیثی، بیان دسته‌های گوناگون اخبار را در موضوعی خاص دنبال می‌کند و کمتر به طرح عقیده نهایی به صورت صریح می‌پردازد. در این روش، هر یک از دسته‌های خبری، نظر خاصی را طرح می‌کنند که در نگاه نخست، ممکن است در تعارض با یکدیگر باشند، اما با توجه به تسلط شیخ صدوق بر اخبار^۳ باید گفت که شیخ به اختلاف مضامین اخبار توجه نموده است و مقاصدی دیگر را دنبال کرده است.

یکی از این مقاصد، ارائه آرای رقیب و رد آن است. چنان‌که درباره چگونگی لقب گرفتن امام رضا^{علیه السلام} به رضا، دو گروه مختلف از روایات آورده شده است.^۴ هم‌چنین می‌توان به

۱. برای نمونه: انصاری، کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۲۲۳ و ج ۲، ص ۳۵۲؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۰، ص ۵۴۲ و ج ۶۲، ص ۱۳۷.

۲. برای نمونه فضل‌الله (د. ۱۹۷۵م) در کتاب «الامام الرضا، تاریخ و دراسة» سه خبر مربوط به ولایت‌عهدی امام رضا^{علیه السلام} را که در کتاب عیون اخبار الرضا^{علیه السلام} ارائه شده است از کتاب‌های ارشاد، مقاتل الطالبیین و علل الشرایع نقل نموده است (فضل‌الله، تحلیلی از زندگانی امام رضا^{علیه السلام}، ص ۱۰۸).

۳. طوسی، الفهرست، ص ۶۹۵.

۴. صدوق، همان، ج ۱، ص ۱۹.

ارائه آرای مختلف موجود برای اطلاع مخاطبان به عنوان مقصد دیگر شیخ صدوق نام برد که در این موارد نه تنها اظهار نظری نمی‌کند، بلکه مشخص نیست که کدام سخن را ترجیح می‌دهد. برای نمونه در بخش مهاجرت امام رضا (ع) به سوی مرو، اخباری را بیان می‌کند که از جهت مکانی قابل جمع نیست و هیچ اظهار نظری درباره آنها ارائه نمی‌نماید.^۱

۲-۳. رویکرد کلامی شیخ صدوق

از سوی دیگر، نباید به رویکرد کلامی شیخ صدوق در بیان گزاره‌های تاریخی بی‌توجه بود. طبیعی است که به دلیل علاقه‌مندی آل بویه (۳۲۰-۴۴۷ق) به اهل بیت (ع)، فضا برای معرفی و دفاع از شخصیت ائمه (ع) در دوره شیخ صدوق فراهم بوده است. از طرفی در همین دوره، فعالیت گسترده حدیثی و فعالیت سیاسی شیعیان زیدی و اسماعیلی^۲ سبب شد عالمان امامیه از شرایط سیاسی موجود به نفع باورهای خود استفاده کنند.^۳ از این‌رو، بیشتر اخبار عیون یا به طور مستقیم در خدمت اثبات عقاید شیعیان امامی است^۴ و یا ارتباط تنگاتنگی با این باورها دارد.^۵ یکی از موضوعاتی که شبهات فراوانی درباره آن برای شیعیان به وجود آمد، موضوع پذیرش مقام ولایت‌عهدی از سوی امام رضا (ع) بود.^۶ بنابراین، بخشی با عنوان باب السبب الذی من اجله قبل علی بن موسی

۱. همان، ج ۲، ص ۲۳۸-۲۴۱.

۲. نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی، ص ۱۰۹.

۳. درباره تأثیر حکومت آل بویه در گسترش فعالیت عالمان شیعی؛ ر.ک: پاکتچی، «ابن بابویه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۳۴۶.

۴. برای نمونه در نقل مناظراتی که امام (ع) به شبهات کلامی پاسخ می‌دهند؛ ر.ک: صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ابواب ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۳۲، ۵۶، ۵۸.

۵. برای نمونه در بیان ویژگی‌های امام چون علم و عصمت و یا بیان معجزات امام (ع)؛ ر.ک: همان، ابواب: ۳۷، ۴۱، ۴۷، ۴۹، ۵۳، ۵۴.

۶. برای مشاهده تبیین این شبهات، ر.ک: مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار (ع)، ص ۱۶۹-۱۷۱.

الرضا علیه السلام ولاية العهد من المأمون در عیون قرار داده شده است که استفاده از واژه سبب^۱ در آن، شاهی بر اهداف کلامی شیخ است.^۲

بنابراین، از آن جا که در رویکرد کلامی شیخ تلاش می‌شود، گزاره‌های تاریخی در خدمت اثبات و استحکام باورهای امامیه قرار گیرد، مناسب است برای دستیابی به دسته‌های خبری موجود در هر موضوع و آرای نویسندگان در مباحث تاریخی، ارزیابی دسته‌های خبری با توجه به پرسش‌ها و شبهات مطرح در آن موضوع صورت گیرد.

۳. ارزیابی تحلیلی ساختار اخبار

بررسی اخبار مربوط به ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام در عیون نشان می‌دهد که هدف شیخ صدوق پاسخ‌گویی به شبهات موجود در کدام موضوعات بوده است و با اعتنا به این رویکرد، تمام این اخبار در دو محور قابل طرح خواهد بود. بنابراین، در ادامه به ارزیابی اخبار در این دو محور با نگاهی مجموعی نسبت به سخنان می‌پردازیم.

۳-۱. چرایی پذیرش ولایت‌عهدی از سوی امام رضا علیه السلام

عباسیان (۱۳۲-۵۶۵ق) از آغاز حکومت، سیاست سخت‌گیرانه‌ای را در برابر شیعیان معتقد به غصب خلافت مسلمانان در پیش گرفتند.^۳ از طرفی، روش امامان علیهم السلام عدم همکاری با خلفا و عدم پذیرش پیشنهادهای آنان برای قبول مسئولیت سیاسی بود.^۴

۱. كلُّ شيءٍ يُتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ، فَهُوَ سَبَبٌ (ابن منظور، اخبار ابی نواس، ج ۱، ص ۴۵۸).

۲. چنان‌که در بیان برخی متکلمان، واژه سبب به «كل شيء يتوصل به الى غيره» به کار می‌رود (جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۱۴۵)؛ علامه مجلسی در بحارالانوار در تفسیر روایات چنین برداشتی را از این واژه دارد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۲۵؛ ج ۳۴، ص ۱۰۰؛ ج ۵۴، ص ۴۰).

۳. ر.ک: مسعودی، تاریخ یعقوبی، ج ۳ ص ۳۱۲، سیوطی، تاریخ خلفاء، ص ۳۱۷، امین، اعیان الشیعة، ص ۲۳۳.

۴. چنان‌که هیچ‌گونه همکاری گزارش نشده است و حضور اصحاب در دربار با هدف گرفتن حقوق شیعیان از سوی ائمه علیهم السلام تأیید می‌شد (درباره اخبار مربوط به علی بن یقطين، ر.ک: خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱۳، ص ۲۴۶).

بنابراین، پس از ولایت عهدی امام رضا (ع) پرسشی مطرح شد که مورد توجه شیخ قرار گرفت و آن این که به چه دلیل امام (ع) حاضر به پذیرش بالاترین مقام و منصب زیر نظر خلیفه عباسی شد؟

بهره‌گیری از عبارات عیون نشان می‌دهد که شیخ، پذیرش ولایت‌عهدی را پس از تهدید مأمون و از روی اجبار می‌داند. این موضوع از تکرار عباراتی چون انا أُجبرت علی ذلک^۱، دفعتنی الضروره الی قبول ذلک علی اکراه و اجبار بعد الاشراف علی الهلاک^۲، قد نهانی الله تعالی ان القی بیدی التهلکة^۳ و ما دخل الرضا (ع) فی هذا الامر طائعا^۴ برداشت می‌شود.

البته در بین اخبار، روایاتی درباره قصد مأمون برای تکریم امام رضا (ع) بیان می‌شود که نسبت به روایات مخالف، تعداد کمی را به خود اختصاص می‌دهند. در ادامه شواهد این نظریه، می‌توان به خبر دیگری اشاره نمود که مطابق با آن، امام رضا (ع) با ناراحتی فراوان و بدون میل و اختیار با حرم رسول خدا (ص) وداع نمود.^۵

هم‌چنین، می‌توان به مضامین و نوع خطاب‌هایی که مأمون نسبت به امام چون یا بن رسول الله، فلا بد لک من قبول هذا الامر^۶ یا فان فعلت و الا ضربتُ عُنُقک^۷ داشت و تأیید کننده اجبار است، اشاره کرد. مطابق برخی اخبار، مأمون، مدت‌ها با ارسال نامه به مدینه به طور مکرر از امام (ع) درخواست می‌کرد که عازم مرو شود، ولی آن حضرت بهانه‌های

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۵۲.

۲. همان، ص ۲۵۳.

۳. همان، ص ۲۵۴.

۴. همان، ص ۲۵۷.

۵. همان، ص ۲۵۷.

۶. همان، ص ۲۵۳.

۷. همان، ص ۲۵۴.

فراوانی را طرح می نمود و این درخواست را رد می کرد. در چند مورد از این اخبار تأکید شده است که امام علیه السلام زمانی مهاجرت کرد که دانست مأمون دست از او بر نمی دارد.^۱ از سوی دیگر، شیعیان همواره از امامان علیهم السلام حیاتی زاهدانه انتظار داشتند^۲ و با آن که ائمه علیهم السلام گاه در رأس قدرت سیاسی بودند و یا اموال بسیاری را در اختیار داشتند، هیچ گاه برای دستیابی به مال و مقام، به معنای ناپسند آن در اسلام، تلاش نکردند. پدر امام رضا علیه السلام؛ یعنی امام کاظم علیه السلام (د. ۱۸۳ق) با آن که امکان زندگی مرفه‌ی داشت، اما چنان می زیست که از برخی وسایل زندگی که طبقه ضعیف جامعه از آن برخوردار بود، بهره نمی برد.^۳

بر این اساس، پرسشی در اذهان شیعیان پس از حضور امام رضا علیه السلام در مرو و پذیرش جایگاه ولایت عهدی به وجود آمد^۴ که چرا امام علیه السلام به ناز و نعمت خلافت رو آورده است؟ شیخ با بیان اخبار متعدد، این پرسش را مورد توجه قرار می دهد و برای پاسخ به آن می کوشد. هم چنان که تلاش برای اثبات این موضوع که امام علیه السلام از هیچ تلاشی برای مقابله با این تفکر فروگذار نکرده است و هیچ تغییری در روش زاهدانه آن حضرت صورت نگرفته است، از اخبار مشهود است.

مطابق برخی اخبار کتاب عیون، مأمون به دنبال ایجاد چنین نگاهی به امام رضا علیه السلام بوده است. برای نمونه در خبری، امام رضا علیه السلام در این باره خطاب به مأمون می فرماید:

می خواهی مردم بگویند که علی بن موسی از دنیا زاهد نبود، بلکه دنیا

۱. همان، ص ۲۵۸.

۲. زهد در لغت به معنای ناچیز دانستن (ابن اثیر، النهاية، ذیل ماده زهد) و در معارف اسلامی به معنای بی اعتنائی نسبت به دنیا است (نهج البلاغه، حکمت ۲۸ و ۶۴).

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۶۵.

۴. این موضوع از مضمون پرسش های مردم و پاسخ های امام رضا علیه السلام در عیون برداشت می شود.

از او زاهد بود و به او بگویند که چگونه ولایت‌عهدی را به طمع خلافت پذیرفتی.^۱

شیخ با بیان اخباری نشان می‌دهد که مأمون در هدف خود تا حدی موفق بوده است. مطابق خبری، یکی از طرفداران آن حضرت به ایشان مراجعه می‌کند و می‌گوید:

یا بن رسول الله، مردم می‌گویند تو ولایت‌عهدی را قبول کردی در حالی که اظهار زهد برای خود می‌نمودی.^۲

شیخ صدوق به صورت غیرصریح، اقدامات امام علی (ع) را در دو بعد گفتاری و رفتاری ارائه می‌دهد. در موارد گفتاری، امام علی (ع) نخست، پذیرش ولایت‌عهدی را به کار حضرت یوسف در پذیرش امور عزیز مصر شبیه می‌دانستند^۳، یا حضور خود را به عنوان ولی‌عهد، هم‌چون حضور امام علی (ع) در شورا که برای تعیین خلیفه سوم مسلمانان پس از پیامبر ﷺ تشکیل شد، معرفی می‌کردند^۴ و یا تأکید می‌کردند که حتی اگر اجباری از سوی مأمون نبود، ائمه علی (ع) شایسته‌ترین افراد برای این منصب بودند.^۵

هم‌چنین در بعد رفتاری، بارها عدم قبول منصب را گوشزد کردند. در عبارتی به نقل از فضل بن سهل (د. ۲۰۳ق) در این باره آمده است:

هرگز خلافتی از این ضایع‌تر ندیدم که امیرالمؤمنین از آن شانه خالی کرد و بر علی بن موسی الرضا عرضه نمود، اما او منصب را دور افکند و به طور دائم

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ص ۲۵۴.

۲. همان، ص ۲۶۳.

۳. همان، ص ۲۵۳.

۴. همان، ص ۲۵۶.

۵. همان، ص ۲۶۳، ۲۶۴.

از قبول آن خودداری می‌کرد.^۱

مطابق خبری دیگر، امام علیه السلام شروطی را برای قبول ولایت‌عهدی طرح نمود^۲ و یا مطابق برخی اخبار در مواردی از انجام دستور مأمون خودداری می‌کرد.^۳

۲-۳. چرایی انتخاب امام علیه السلام به عنوان ولی‌عهد

نوع گفتار مأمون و هوش‌مندی او در کارها^۴ سبب شده است، همواره درباره مذهب مأمون اختلاف باشد. مطابق آنچه اربلی (د. ۶۹۳ق) به سیدبن طاووس (د. ۶۶۴ق) نسبت می‌دهد و خود تمایل آشکاری به آن دارد، مأمون از قتل امام علیه السلام مبرا بوده است و حتی به آن حضرت متمایل نشان می‌داد.^۵

به نظر می‌رسد، پرسش مهم دیگری که مورد توجه شیخ قرار گرفته است، این است که آیا مأمون در واگذاری منصب ولایت‌عهدی به امام رضا علیه السلام حسن نیت داشته است؟ پیش از بررسی رأی شیخ در این باره، باید توجه کرد که او معتقد است، انتخاب امام رضا علیه السلام از سوی مأمون و با تصمیم مستقیم او صورت گرفته است و فضل بن سهل به این دلیل که تربیت یافته برمکیان بود، پیوسته با امام علیه السلام دشمنی می‌ورزید و چنین شخصی نمی‌تواند، پیشنهاد دهنده ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام باشد.

۱. همان، ص ۲۵۶.

۲. همان، ص ۲۵۸.

۳. چنان‌که در این شروط امام علیه السلام عدم دخالت در عزل و نصب‌ها و دستورات و سنت‌ها را طرح نمودند (همان).

۴. برای نمونه درباره علاقه به اهل بیت علیهم السلام و شیعیان، ر.ک: سیوطی، تاریخ خلفاء، ص ۲۸۴ و ۳۰۸.

۵. درباره نقل اربلی و برداشت او از نظر سید بن طاووس، ر.ک: عاملی، الحیة السیاسیة الامام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۲-۲۱۲.

شیخ تصریح می‌کند که سخن ابو علی سلامی (د. ۳۰۰ ق)^۱ درباره این‌که مأمون به دلیل مشورت نادرست فضل در انتخاب امام رضا (ع) دستور قتل او را صادر کرد، نادرست است.^۲ در مورد این شبهه، آنچه در برخی تحقیقات از عیون بیان می‌شود، عقیده و رأی شیخ در حسن نیت مأمون در واگذاری منصب ولایت‌عهدی است^۳ که شواهد قابل توجهی برای این برداشت وجود دارد. چنان‌که مطابق خبری، مأمون خطاب به امام رضا (ع) می‌گوید:

من از فضل، علم، ورع، زهد و عبادت تو با خبر هستم و تو را برای خلافت
از خود سزاوارتر می‌دانم.^۴

هم‌چنین، مأمون برای تکریم امام رضا (ع)، مراسم شعرخوانی بزرگی برگزار نمود و خبرهای ۷ تا ۱۱، ۱۴، ۱۶ تا ۱۸ و ۲۰ باب مربوط به ولایت‌عهدی در عیون به مدیحه سرایی شاعران می‌پردازند.^۵ مطابق شاهد دیگر، امام (ع) به مأمون توصیه می‌کرد:

عامه مردم به آنچه با من کردی راضی نیستند و خواص، آنچه را با فضل
بن سهل نمودی، خوش ندارند و بهتر است دور کنی ما را از خود، تا امر تو به
صلاح و نیکی باز آید.^۶

در خبری دیگر، مأمون خطاب به مردم می‌گوید:

۱. او از مهم‌ترین مورخان بی‌هق و نویسنده کتابی تاریخ محلی با عنوان التاریخ فی اخبار ولات خراسان است (ناجی، تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، ج ۱، ص ۵۴۱).
۲. صدوق، عیون اخبارالرضا (ع)، ص ۲۵۸.
۳. برای مطالعه بیشتر درباره این شبهه، ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، ص ۳۴.
۴. صدوق، عیون اخبارالرضا (ع)، ص ۲۵۴.
۵. همان، ص ۲۵۴-۲۶۱.
۶. همان، ص ۲۶۵، ۲۶۶.

ای مردم! بر شما آمد بیعت علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین که به خدا سوگند! اگر این نام‌ها بر کرها و گنگ‌ها خوانده شود، شفا یابند به اذن خداوند.^۱

اخباری صحیح درباره ضرب سکه به نام حضرت و ارسال خبر ولایت‌عهدی ایشان به نقاط مختلف جهان اسلام وجود دارد.^۲ هم‌چنین، مطابق نقلی مأمون درباره دلیل انتصاب امام رضا (ع) می‌گوید:

دلیل انتصاب علی بن موسی عهدی بود که با خدا کردم که در صورت پیروزی بر امین، این چنین کنم.^۳

نظریه حسن نیت مأمون مورد تأیید یا پذیرش برخی دیگر، چون یعقوبی (د. ۲۸۴ق)^۴، مسعودی (د. ۳۴۶ق)^۵، ابن طقطقی (د. ۷۰۹ق)^۶، ابن خلدون (د. ۸۰۸ق)^۷ و سیوطی (د. ۹۱۱ق)^۸ است. با این حال، توجه به ابعاد دیگر نشان می‌دهد که مطابق عقیده شیخ صدوق، مأمون از ابتدا اهداف ناشایستی را از اقدام خود دنبال می‌کرد و اخبار یاد شده را می‌توان با توجه به شواهد دیگر در عیون نادرست دانست.

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. همان، ص ۲۶۸-۲۷۱.

۳. همان، ص ۲۷۷-۲۸۲.

۴. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۴۸.

۵. مسعودی، تاریخ مسعودی، ج ۳، ص ۴۴۱.

۶. فاحب ان اکافیه علی احسانه (ابن طقطقی، الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیة، ص ۲۱۹-۲۱۷).

۷. ابن خلدون، مقدمه، ج ۳، ص ۲۴۴.

۸. سیوطی، تاریخ خلفاء، ص ۲۰۷.

این عقیده با بستر شناسی عصر ولایت‌عهدی امام علیه السلام مطابقت بیشتری دارد؛ زیرا پذیرش مأمون در بخش‌های شرقی خلافت، بیش از بخش‌های دیگر چون بغداد بود.^۱ از طرفی، او به خوبی از محبت مردم، نسبت به اولاد علی علیه السلام آگاه بود. بنابراین براساس شواهد متعدد^۲، مأمون با واگذاری ولایت‌عهدی خود به امام علیه السلام در پی به خلافت رسیدن فردی از خاندان امام علی علیه السلام نبود. بلکه به دنبال ایجاد محدودیت شیعیان، فرو نشانیدن قیام‌های علوی، دستیابی به پایگاه مردمی و مشروع جلوه دادن خلافتش بوده است. در نگاه او، ولایت‌عهدی مانع بازدارنده اختلافات بین علویان و عباسیان بود.^۳

سیر تاریخی این دوره نشان می‌دهد که اقدام مأمون تا حد بسیاری سبب جلب علویان به دستگاه خلافت شده است.^۴ با این نگاه، اخباری که نظریه حسن نیت را در عیون تأیید می‌کنند، قابل تفسیر و توجیه هستند. برخی از مهم‌ترین اخبار معارض با نظریه حسن نیت مأمون که در عیون و باب مربوط به ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام آمده است عبارت‌اند از:

فشار سیاسی مأمون برای انتقال امام رضا علیه السلام به مرو و تهدید آن حضرت؛ بی جواب ماندن نامه‌های مأمون به امام علیه السلام در دعوت ایشان به مرو؛ ناامید شدن مأمون از پاسخ‌گویی امام و فرستادن افرادی جهت انتقال امام از مدینه؛ تکرار تهدید به قتل از سوی مأمون نسبت به امام علیه السلام؛ تلاش مأمون برای جا افتادن امام رضا علیه السلام در بین مردم به عنوان فردی دنیا طلب؛ دستور مأمون به مأموران در جلوگیری از ارتباط مردم با امام علیه السلام؛

۱. ناجی، امام رضا علیه السلام، ص ۳۴، ۳۵.

۲. برای نمونه از تحقیقاتی که با بیان شواهدی این نظریه را طرح نموده‌اند، ر.ک: هولت و دیگران، تاریخ اسلام کمبریج، ص ۱۷۸، ۱۷۹؛ فرخ پور لنگرودی، ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام، ص ۴۹-۵۸؛ احمدوند، نهاد ولایت‌عهدی در خلافت اموی و عصر اول عباسی، ص ۲۱۰-۲۱۳؛ ناجی، امام رضا علیه السلام، ص ۳۲-۴۲.

۳. ماظننت ان احدا من آل ابی طالب یخافنی بعد ما عملته بالرضا علیه السلام (ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۳۱).

۴. ر.ک: شبی، الصلة بین التصوف و التشیع، ص ۲۲۳.

عدم پذیرش سخن و رأی امام علیه السلام نسبت به حق علویان در خلافت از سوی مأمون؛ آگاهی فضل بن سهل از این که هیچ گاه مأمون در قصد و نیت خود حسن نیت نداشت و مقاصد دیگری را پی گیری می کرد.

۴. بررسی موردی اخبار ولایت عهدی امام رضا علیه السلام

در بخش گذشته مشخص شد که شیخ صدوق به بیان سخنان مختلف و گاه متعارض در پاسخ به مسائل می پردازد. بنابراین، او نباید محتوای همه اخبار را پذیرفته باشد. گام دیگر برای بهره گیری از اخبار این کتاب، ارزیابی هر یک از اخبار به تنهایی است که با توجه به انگیزه کلامی و رویکرد حدیثی برخی مورخان امامیه، ضروری است.

همان طور که گذشت، علمای امامیه تا سال ها پس از شروع عصر غیبت، ثبت و ترویج اخبار اهل بیت علیهم السلام را در اولویت کار خود قرار دادند، اما این اقدام حیات بخش برای امامیه، پی آمدهایی به دنبال داشت. تمرکز بر حل نیاز عمومی سبب شد از دقت لازم برای گزینش اخبار کاسته شود که از شواهد مهم آن، حجم کتاب های حدیثی این دوره است.^۱ به عبارتی، حفظ و ضبط مواریث شیعه از اهداف مهم محدثان بود که سبب عدم سخت گیری در پذیرش روایات شد.^۲ به طور کلی، نظام واره حدیث از نخستین مراحل خود در بستری شکل گرفت که جلوگیری از نفوذ اخبار ضعیف یا جعلی بسیار دشوار بود.^۳ در ادامه برای نمونه به مهم ترین مشکلات محتوایی گزارش های تاریخی مربوط به ولایت عهدی در عیون اشاره می شود. شایان توجه است که شیوه بررسی اخبار، توجه به همه شواهد و موثوق الصدور بودن خبر^۴ است.

۱. معارف، درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه، ص ۶۷-۸۲.

۲. جباری، مکتب حدیثی قم، ص ۳۶۹.

۳. رفیعی، دروس فی وضع الحدیث، ص ۳۳-۳۸.

۴. برای اطلاع بیشتر در این باره، ر.ک: سبزواری، وسیلة الوصول الى الحقائق الاصول، ص ۵۲۳.

۴-۱. شباهت پذیرش ولایت‌عهدی با پذیرش ریاست به وسیله حضرت یوسف علیه السلام

مطابق دو خبر، امام رضا علیه السلام قبول ولایت‌عهدی را با اشاره به آیاتی از قرآن کریم، هم‌چون اقدام حضرت یوسف علیه السلام می‌دانست.^۱ روایت نخست از جهت سندی مرسل و ضعیف است، اما روایت دوم از سندی قابل قبول برخوردار است. با این حال، موضوعی که در نقد این خبر باید به آن توجه شود، این است که شباهت در این آیات، مطابق محتوای این خبر، اجبار و ضرورت دانسته شده است و در این صورت، خبر با مضمون قرآن کریم سازگاری نخواهد داشت؛ زیرا مطابق آیات سوره یوسف، آن حضرت نه تنها به پذیرش مسئولیت از سوی عزیز مصر مجبور نشد، بلکه پس از گرامی داشتن حضرت یوسف به وسیله وی، خود آن حضرت با عبارت اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْمُ^۲ درخواست نمود در حکومت عزیز مصر وارد شود.

پس از آیه بالا، عبارت وَ كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ قرار دارد که خواست الهی را بر تحقق این امر نشان می‌دهد. همین موضوع با عبارت و قد اكرهت و اضطرت كما اضطر يوسف و دانیال در باب سوم عیون تکرار می‌شود. جالب آن که هیچ خبری درباره آن که دانیال نبی به اجبار و اضطرار، وزارت را پذیرفته باشد یافت نشد.

۴-۲. شعرخوانی ابونواس به مناسبت ولایت‌عهدی امام علیه السلام

خبر ۹، ۱۰ و ۱۱ باب ۴۰ مربوط به اشعاری است که از سوی شخصی به نام ابونواس (د. حدود ۲۰۰ق)^۳ خوانده می‌شد. نام این شاعر مشهور، حسن بن هانی است. شهرت او تا آن‌جا است که از قرن سوم، ده‌ها شاعر از او نقل می‌کنند و درباره او سخن

۱. صدوق، عیون اخبارالرضا، ص ۲۵۲-۲۵۴.

۲. یوسف: ۵۵.

۳. درباره شرح حال وی، ر.ک: طاووسی مسرور، «ابونواس»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۳۴۱-۳۶۸.

می‌گویند.^۱ درباره مذهب او، آرای متعددی نقل شده است و او را زندیق، معتقد به ثنویت و مانوی می‌خوانند.^۲ در این بین، برخی او را شیعه می‌دانند.^۳

در این روایات به شهرت و محبوبیت ابونواس در میان شاعران اشاره می‌شود. برای نمونه، پس از آن که همه شعرا در مدح امام رضا (ع) به شعر خوانی پرداختند، مأمون، ابونواس را دید و نکوهش کرد. او در پاسخ مأمون گفت:

چگونه می‌توانم امامی را مدح کنم که جبرئیل خادم نیای او بوده است.^۴

روایات شیخ پس از او در منابع دیگر راه یافتند.^۵ این در حالی است که پذیرش این اخبار با برخی وقایع تاریخی و روایاتی که در منابع کهن آمده است، سازگاری ندارد. نخستین مشکل آن است که ولایت عهدی امام رضا (ع) در سال ۲۰۱ ق صورت گرفت،^۶ اما به گفته تمامی مورخان و شعرا، ابونواس پیش از قرن سوم از دنیا رفته بود.^۷ بنابراین، امکان حضور او در این زمان در مروج پذیرفته نمی‌شود.

دومین دلیل برای عدم درستی اخبار آن است که دیوان ابونواس با دو روایت ابوبکر صولی (د. ۳۳۵ ق) و حمزه اصفهانی (د. قبل از ۳۶۰ ق) موجود است، اما اشعاری که به وسیله شیخ از صولی نقل می‌شود در دیوان موجود نیست. سومین دلیل تاریخی آن است

۱. ابن ندیم، فهرست، ص ۱۸۲.

۲. ابن معتر، طبقات الشعراء، ص ۱۹۵؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۱۸.

۳. برای نمونه، ر.ک: فلاح، سیمای امام رضا (ع) در اشعار شعرائی شیعی معاصرش، ص ۷۱-۸۲.

۴. صدوق، عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۵. برای نمونه، ر.ک: جوینی، فرائد السمطين، ج ۲، ص ۲۰۰-۲۰۲؛ قمی، الکنی و الالقاب، ج ۱، ص ۱۷۰.

۶. مفید، ارشاد، ص ۶۰۱.

۷. در زمان وفات ابونواس اختلاف است، اما مطابق شواهد او در سال ۱۹۸ ق درگذشت (طاووسی مسرور، «ابونواس»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۳۴۱).

که ابونواس در هنگام درگیری مأمون و امین (د. ۱۹۸ق) طرفدار امین بود و دوران امین را دوران کامیابی او می‌دانند.^۱

بر اساس آنچه مورخان نوشته‌اند، او چنان مورد حمایت امین بود که کار را در لاابالی‌گری به افراط کشاند و همین امر سبب شد مأمون از اقدامات این شاعر به عنوان یک ابزار تبلیغاتی جهت نشان دادن بی‌مولاتی امین استفاده کند. نتایج اقدام مأمون برای امین نامطلوب بود و ابونواس را زندانی کرد و به روایتی، دستور قتل او را صادر کرد.^۲ در این صورت، حتی اگر عمر شاعر هم کفاف داده باشد، دشوار است که او را در جرگه شاعران و ندیمان مأمون عباسی دانست.

۳-۴. خواننده شدن امامان پیشین به عنوان پدران امام رضا (ع)

شیخ در روایتی نقل می‌کند که ولایت‌عهدی امام رضا (ع) در مدین اعلام شد.^۳ این خبر موقوف است و پیش از شیخ صدوق به وسیله ابوالفرج اصفهانی (د. ۳۵۶ق) نقل شده است.^۴ اعلام کننده این خبر که عبدالجبار مساحقی دانسته می‌شود، پس از اعلام نام امام رضا (ع) یک بیت شعر می‌خواند و در آن، هفت امام پیشین را از پدران ایشان نام می‌برد.^۵

این درحالی است که شش امام پیش از امام رضا (ع) از پدران ایشان محسوب می‌شوند و نام این شش نفر در عبارتی که پیش از شعر به صورت علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی آمده است، مشاهده می‌شود. البته از آن جا که منابع

۱. ابن معتر، طبقات الشعراء، ص ۲۰۹-۲۱۱؛ ابن منظور، اخبار ابی نواس، ص ۸۲-۸۶.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۱۷.

۳. صدوق، عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۲۶۵.

۴. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۸۵.

۵. پدرانش هفت نفر مردانی هستند که بهترین آشامندگان آب باران بر زمین هستند (صدوق، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۵۷).

دیگر^۱ از واژه سته در نقل روایت استفاده کرده‌اند و در قدیمی‌ترین نسخه موجود عیون واژه سته در این خبر آمده است، می‌توان اشکال را در تصحیف نسخه دانست.

۴-۴. ازدواج امام جواد (ع) (د. ۲۲۰ق) در مرو

مطابق خبر ۱۹ باب ۴۰، مأمون پس از معرفی امام رضا (ع) به عنوان ولی‌عهد و اقداماتی چون ضرب سکه به نام آن حضرت و امر کردن مردم به پوشیدن لباس سبز به جای لباس سیاه، آمده است که مأمون دستور به ازدواج امام رضا (ع) با ام‌حبیبه دختر مأمون، ازدواج امام جواد (ع) با دختر دیگر او و ازدواج خودش و توران دختر فضل بن سهل در یک روز داد. این خبر به وسیله طبری (د. ۳۱۰ق)^۲ و مسعودی (د. ۳۴۶ق)^۳ نقل شده است.

این درحالی است که مطابق روایاتی دیگر از شیخ، امام رضا (ع) به تنهایی به مرو انتقال داده شد و هیچ یک از افراد خانواده، همراه ایشان نبودند.^۴ از طرفی، هیچ یک از مورخان، از مهاجرت امام جواد (ع) به مرو خبر نمی‌دهند. تنها ابن فندق (د. ۵۶۵ق) در تاریخ بیهق اشاره‌ای دارد که امام جواد (ع) در سال ۲۰۲ق به طوس آمد و از پدرش دیدار کرد^۵ که گزارش او در دیگر منابع تأیید نشده است.

حتی اگر خبر حضور امام جواد (ع) برای غسل دادن امام رضا (ع) در مرو به وسیله طی الارض^۶ پذیرفته شود، امام جواد (ع) در مدت ولایت‌عهدی پدرش در مدینه بوده

۱. ر.ک: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳۷۶-۳۷۷؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۶۲.

۲. طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۵۶.

۳. مسعودی، تاریخ مسعودی، ج ۳، ص ۴۴۱.

۴. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۱۱۵.

۵. بیهقی، تاریخ بیهق، ص ۴۶.

۶. صدوق، عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۳۶۸.

است. علاوه بر این، دیگر تاریخ‌نگاران شیعه به تفصیل به چگونگی مراسم ازدواج امام جواد علیه السلام و ام‌فضل در بغداد و در سال ۲۱۱ ق می‌پردازند.^۱

هم‌چنین، به نظر می‌رسد سخن سید محسن امین (د. ۱۳۷۱ ق) برای جمع بین اخبار نامزد نمودن امام جواد علیه السلام برای ام‌فضل در مرو^۲، قابل پذیرش نیست؛ زیرا در حد یک احتمال است و دلیلی بر این مطلب وجود ندارد. افزون بر آنچه بیان شد در روایت نخست باب ۵۹ عیون، شیخ صدوق زمان ازدواج امام رضا علیه السلام با دختر مأمون را یک سال پس از ولایت‌عهدی می‌داند. بنابراین، پذیرش تحقق این سه ازدواج در یک روز قابل پذیرش نیست.

۴-۵. خبر حباء^۳ و شرط

خبر ۲۳ باب ۴۰، نسخه‌ای از متن عهدنامه میان مأمون و امام رضا علیه السلام است که شیخ از آن با عنوان کتاب حباء و شرط یاد می‌کند و در حجم قابل توجه ده صفحه‌ای جای می‌دهد.^۴ این رساله که مطابق این خبر به وسیله قاضیان و والیان شهرهای مختلف در جهان اسلام قرائت شده است، به وسیله هیچ یک از مورخان نقل نگردیده است. از طرفی، این خبر سندی ندارد و شیخ صدوق تصریح می‌کند که کسی آن را برایم روایت نکرده است و در نسخه‌ای آن را دیده‌ام و نقل می‌کنم.

هم‌چنین در سراسر روایت مطالبی وجود دارد که با سیره معصومان علیهم السلام مطابقت ندارد. نخست آن که امامان شیعه به خوبی با جریان قبض و بسط سیاسی خلفا آشنا بودند و اطلاع داشتند که خلفای عباسی در پی آرام کردن مخالفان ممکن است برای دوره‌ای

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۴۶؛ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۸۱؛ اربلی، کشف الغمة، ج ۳، ص ۱۴۴؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۱۰۲.

۲. امین، اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۳۳.

۳. به معنای عطیه و نوعی بخشش.

۴. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۳۷۱ به بعد.

برخوردی مناسب و ریاکارانه را با علویان در پیش گیرند. از این رو به نظر می‌رسد، با وجود اقدامات مصلحت جویانه ائمه علیهم‌السلام در مقابل خلفا، برخی عباراتی که امام علیه‌السلام به قدردانی و تشکر از مأمون می‌پردازد، اعتبار خبر را با تردید روبه‌رو می‌کنند. به عنوان نمونه، در متن این خبر از امام علیه‌السلام آمده است که به مأمون می‌فرمود:

مأمون نیکی کرد با عترت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ... الفت را بین آنها ایجاد کرد ... خداوند به وسیله او کینه‌ها را از دل برد ... به یمن و برکت و خیر و نیکویی و صله او خواهانش متفق شدند ... او دین را معیار دوری و نزدیکی به حکومت قرار داد ... او با انجام ولایت عهدی بر دشمنان پیروز شد ... و به دنبال آن بود تا نعمت بر عامه ثابت شود.^۱

در این خبر، امام رضا علیه‌السلام با عبارات مختلف به والا بودن مقام فضل بن سهل اشاره دارند. این در حالی است که مطابق عقیده شیخ، فضل بن سهل از تربیت یافتگان برمکیان بوده است و در خبری تصریح می‌شود که او را نمی‌توان طرفدار امام علیه‌السلام دانست.^۲

۴-۶. اطاعت امام علیه‌السلام از فرمان‌های مأمون

یکی دیگر از اخبار طولانی عیون در باب ۴۰، خبر ۲۴ است که دارای ۴ بخش اصلی است.^۳ در بخش نخست، مأمون به امام رضا علیه‌السلام خبر از فتوح مملکت کابل می‌دهد و از ایشان طلب مشورت می‌کند.

در بخش دوم، فضل بن سهل، پس از آن که متوجه رأی امام علیه‌السلام می‌شود از مأمون می‌خواهد که از مشاوران هارون الرشید که اکنون در زندان او هستند، مشورت گیرد. مأمون

۱. همان، ج ۲، ص ۳۷۴.

۲. همان، ص ۳۸۶.

۳. همان، ۳۰۷ به بعد.

این مسئله را پذیرفت، اما چون مخالفت آنان را با ولایت‌عهدی امام رضا علیه السلام دید، هر سه را که از مهم‌ترین سران هارون‌الرشید بودند در همان جلسه گردن زد.

بخش سوم به ناراحتی فضل بن سهل از تصمیم مأمون به مهاجرت به سوی عراق و بدبینی مردم عراق نسبت به او اشاره دارد. مأمون در این بخش، تعهدنامه‌ای را برای فضل می‌نویسد و اعلام می‌کند که پناه دهنده او خواهد بود. مطابق آنچه در ادامه این خبر آمده است، تعهدنامه به وسیله امام علیه السلام تأیید می‌شود.

در بخش پایانی این خبر، فضل بن سهل پس از دریافت نامه‌ای از حسن بن سهل به مأمون و امام علیه السلام پیشنهاد می‌دهد برای رفع نکبتی که مطابق معادلات نجومی بر سرشان خواهد آمد بر حمای وارد شوند و حجامت کنند. امام رضا علیه السلام خبر از خواب خود می‌دهد و اعلام می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این خواب، مرا از ورود به حمام باز داشته است و من شما را باز می‌دارم. با این حال، سهل وارد می‌شود و مطابق پیش‌بینی امام، مدتی بعد مأمون خبر قتل فضل را در حمام می‌دهد.

مفاد این خبر از جهت تاریخی دارای تناقضاتی درونی است؛ زیرا با وجود آن‌که در احادیث گوناگون، امام رضا علیه السلام ولایت‌عهدی را با وجود شروطی پذیرفتند و در برخی موارد، امر و نهی مأمون را با یادآوری این شروط عملی نکردند^۱ در این خبر، امام رضا علیه السلام به صورت مستقیم به سواران سپاه مأمون دستور می‌دهد که حاضر گردند و برای حرکت به سوی عراق آماده شوند.

هم‌چنین، امام علیه السلام حاضر به امضای عهدنامه میان فضل بن سهل و مأمون می‌شوند. این در حالی است که مطابق آنچه در این خبر بیان می‌شود، مأمون به دلیل محتوای عهدنامه به فضل اطمینان می‌دهد که امام علیه السلام این کار را نخواهد کرد. او در پاسخ فضل در این باره می‌گوید:

۱. همان، ص ۳۰۷، ۳۰۸.

تو می‌دانی که ابی‌الحسن شرط کرده است از این کارها نکند و کاری را احداث ننماید و ما از او چیزی نمی‌خواهیم که مکره باشد.

هم‌چنین، مهم‌ترین دلیل کشته شدن فضل بن سهل، نیرنگ او و عدم اطلاع رسانی درست و به هنگام وقایع بغداد بوده است.^۱ از این رو، این ابهام وجود دارد که چگونه ممکن است که مأمون در راه بازگشت به سوی عراق حاضر به نگارش تعهدنامه و پناه دادن به فضل بن سهل باشد؟

درباره کشته شدن فضل بن سهل در حمام، دیگر مورخان به آن اشاره می‌کنند، اما برخلاف خبر عیون که آن را به صورت تفصیلی در روز چهارشنبه می‌داند، آن را در روزهای دیگری، چون جمعه^۲ و دوشنبه^۳ می‌دانند. بنابراین، برخی از اطلاعات موجود در این خبر با داده‌های تاریخی دیگر کتاب‌ها، قابل تطبیق است، اما از سبک و شکل داستانی این خبر می‌توان فهمید که بعدها به آن شاخ و برگ داده شده است.

۷. نتیجه

یکی از ویژگی‌های شیوه علمی و کارآمد در ارزیابی گزاره‌های تاریخی مجموعه تاریخ‌نگاری روایی امامیه، توجه به انگیزه کلامی و شیوه حدیثی نویسندگان است. مطالعه موردی رویکردهای حدیثی و کلامی شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا^{علیه السلام} نشان داد که با وجود ویژگی‌های تاریخ‌نگارانه‌ای چون گزینش یا توجه به عنصر رخداد در نقل وقایع در این کتاب، گزارش‌های تاریخی مربوط به ولایت‌عهدی امام رضا^{علیه السلام}، تأثیر زیادی از روش حدیثی شیخ صدوق در بیان اخبار گوناگون یک واقعه، پذیرفته است و در بیشتر موارد با انگیزه پاسخ به نیاز اعتقادی جامعه امامیه و شبهات پیرامون این موضوع نوشته شده است.

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۶۵.

۲. همان، ص ۵۶۶.

۳. مسعودی، التنبيه و الاشراف، ص ۳۰۳.

این موضوع سبب می‌شود برای دستیابی به آرای نویسنده و ارزیابی جامع‌تر، نگاه مجموعی به دسته‌های خبری، گامی راه‌گشا به نظر رسد. در این راستا، شیخ صدوق در مجموع به دو پرسش چرایی پذیرش ولایت‌عهدی از سوی امام علیه السلام و چرایی انتخاب امام علیه السلام از سوی مأمون در عناوین و در ابواب مختلف پاسخ می‌دهد.

گام دوم در ارزیابی تحلیلی و انتقادی، بررسی موردی اخبار است؛ زیرا تلاش محدثان برای حفظ میراث امامیه در برخی موارد سبب عدم دقت لازم در پذیرش اخبار و ورود اخبار ضعیف به آثار آنان شده است و یا حداقل می‌توان با معیارهای امروزی به ضعف برخی از گزاره‌ها پی برد.

در این گام، ضعف برخی اخبار عیون، مانند شباهت پذیرش ولایت‌عهدی امام علیه السلام با ریاست حضرت یوسف علیه السلام، شعرخوانی ابونواس به مناسبت ولایت‌عهدی امام علیه السلام، خوانده شدن امامان پیشین به عنوان پدران امام رضا علیه السلام، ازدواج امام جواد علیه السلام در مرو، خطابه معروف به حباء و شرط و اطاعت امام علیه السلام از فرمان‌های مأمون روشن شد.

شایان توجه است که بیان این اخبار در عیون اخبار الرضا علیه السلام به معنای پذیرش آنها به وسیله شیخ نیست و چنین قصدی از سوی او وجود نداشته است. هم‌چنین، بررسی انتقادی و تحلیلی رویکرد نویسندگان و آثار ایشان، منحصر به منابع امامی مذهب نیست و پیش از بهره‌گیری از اخبار تمامی منابع، لازم است به بینش و روش نویسندگان و راویان توجهی جدی شود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، تهران: نشر الهادی، ۱۳۷۹.
۳. آغایلی، یدالله، «نقش موضوع در روشن ساختن مفهوم تاریخ نگارانه»، تاریخ اسلام، ۱۳۹۵، شماره ۶۶.
۴. ابن اثیر، ضیاء الدین، مبارک بن محمد، النهاية، ریاض: دار ابن جوزی، ۱۴۲۱ق.
۵. ابن طقطقی، محمد بن علی، الفخری فی الآداب السلطانية و الدول الاسلامية، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، بی تا.
۶. ابن معتز، عبدالله بن محمد، طبقات الشعراء، بی جا: دارالارقم، بی تا.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، اخبار ابی نواس، قاهره: بی نا، ۱۳۴۳ق.
۸. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، نجف: بی نا، ۱۳۶۹ق.
۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، قم: دارالزهرا(س)، ۱۳۸۶.
۱۰. احمدوند، عباس، نهاد ولایت عهدی در خلافت اموی و عصر اول عباسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۵ق.
۱۲. امین، احمد، ضحی الاسلام، قاهره: مكتبة النهضة، بی تا.
۱۳. امین، سید محسن، اعیان الشیعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۱ق.
۱۴. انصاری، مرتضی، کتاب الطهارة، بی جا: مؤسسة آل البيت للطباعة و النشر، بی تا.
۱۵. بیهقی، علی بن زید، تاریخ بیهق، تهران: ایرانسال، ۱۳۸۱.
۱۶. پاکتچی، احمد، «ابن بابویه»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۱۷. توحیدی نیا، روح الله و توحیدی نیا، محمدعلی، «بینش و روش در تاریخ نگاری شیخ صدوق (مطالعه موردی عیون اخبارالرضا علیه السلام)»، تاریخ اسلام، ۱۳۹۸، شماره ۷۷.
۱۸. توحیدی نیا، روح الله و صفری فروشانی، نعمت الله، «بررسی تحلیلی تاریخ نگاری روایی امامیه تا نیمه قرن پنجم»، تاریخ اسلام، ۱۳۹۴، شماره ۴.
۱۹. جباری، محمدرضا، مکتب حدیثی قم، قم: آستان مقدس حضرت معصومه(س)، ۱۳۸۴.
۲۰. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، بی جا: مؤسسه انصاریان، ۱۳۸۱.
۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت: دارالعلم، بی تا.
۲۲. جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، بیروت: مؤسسة المحمودی، بی تا.

۲۳. حضرتی، حسن، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲.
۲۴. خانجانی، قاسم، شیخ مفید و تاریخ‌نگاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
۲۵. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، قم: الثقافة الإسلامية، ۱۳۷۲.
۲۶. رامپولا، مری لین، راهنمای نگارش تاریخ، ترجمه لیلا سازگار، تهران: نشر آگاه، ۱۳۹۴.
۲۷. رفیعی، ناصر، دروس فی وضع الحديث، قم: جامعة المصطفی العالمية، ۱۳۸۸.
۲۸. سبزواری، حسن، وسیلة الوصول الى الحقائق الاصول، بی‌جا: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۰.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، تاریخ خلفاء، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
۳۰. شبیبی، کامل مصطفی، الصلة بين التصوف و التشيع، بی‌جا: مطبعة الزهراء، ۱۳۸۲ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح شیخ حسین اعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۴م.
۳۲. طاووسی مسرور، سعید، «ابونواس»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۳. طبرسی، فضل بن علی، إعلام الوری، قم: تحقیق مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷ق.
۳۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۷ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، بی‌جا: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۶. عاملی، جعفر مرتضی، الحیاة السیاسیة الامام الرضا علیه السلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.
۳۷. فرخ پور لنگرودی، ایران دخت، ولایت عهدی امام رضا علیه السلام، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان، ۱۳۷۷.
۳۸. فضل الله، محمد جواد، تحلیلی از زندگانی امام رضا علیه السلام، مشهد: ایرانسال، ۱۳۸۲.
۳۹. فلاح، ابراهیم، «سیمای امام رضا علیه السلام در اشعار شعراي شیعی معاصرش»، نشریه زبان و ادبیات عرب، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۷۹.
۴۰. قمی، شیخ عباس، الکنی و اللقب، نجف: بی‌تا، ۱۳۸۹ق.
۴۱. کاکایی، قاسم، «عرضی ذاتی به عنوان معیار تمایز علوم، مجله علوم انسانی»، دانشگاه سمنان، ۱۳۸۸، شماره ۱۰.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۳۶۳.
۴۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ترجمه موسوی خسروی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۳.
۴۴. مسعودی، علی بن الحسین، التنبيه و الاشراف، تحقیق عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، بی‌تا.
۴۵. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.

۴۶. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام)، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۴۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۸۴.
۴۸. معارف، مجید، «درآمدی بر تاریخ حدیث شیعه»، دانشگاه انقلاب، ۱۳۷۶، شماره ۱۱۰.
۴۹. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، بی جا: نشر سرور، ۱۳۸۸.
۵۰. مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقاد الامامیه، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۵۱. ناجی، محمد رضا، تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان، تهران: مجمع علمی تمدن، ۱۳۷۸.
۵۲. ناجی، محمدرضا، امام رضا (علیهم السلام)، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۷.
۵۳. نیومن، آندره جی، دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی، قم: مؤسسه شیعه شناسی، ۱۳۸۴.
۵۴. هولت، پتر مالکوم و دیگر نویسندگان، تاریخ اسلام کمبریج، ترجمه تیمور قادری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۵۵. یعقوبی، احمد بن واضح، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صار، ۱۴۲۶ق.

